

جایگاه تحولات قواعد عمومی قراردادها بر حقوق رقابت در نظامات حقوقی

حامد مهرداد^۱ / دکتر محمد هادی ساعی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

چکیده

با توجه به گسترش و پیچیدگی‌های مبانی حقوقی در نظامات اقتصادی و اجتماعی جوامع و مبانی حقوقی خرد و کلان همواره ضرورت توجه به ابعاد مختلف نظامات اجتماعی و اقتصادی احساس می‌شود که در این میان توجه به مبانی و مفاهیم حقوق اقتصادی به‌عنوان یکی از زیر گرایش‌های جدید حقوق خصوصی و به‌تبع آن بررسی و مطالعه در باب یکی از زیرشاخه‌های شاخص این گرایش جوان تحت عنوان حقوق رقابت بیش‌ازپیش احساس می‌شود آنچه ما در این پژوهش تلاش داریم به آن پردازیم بحث و بررسی در باب «جایگاه تحولات قواعد عمومی قراردادها بر حقوق رقابت» و توجه به بررسی و اهمیت بررسی و ارتباط و وضعیت قواعد عمومی قراردادها در بحث حقوق رقابت است، اساس و مبنای مطالعات حقوق رقابت مطالعه در باب قراردادهای تجاری است که آثار مثبت یا منفی را در جریان رقابت می‌توانند برجای بگذارند بنابراین در این پژوهش می‌بایست به این پرسش پرداخته شود که آیا به‌صورت مستقل می‌توان صرفاً در باب مبانی حقوق رقابت به قواعد عمومی قراردادها استناد نمود و در ادامه به بحث و بررسی بر اهمیت مطالعه قواعد عمومی قراردادها و سیر تاریخی تحولات قراردادی و اعتبار محدودیت‌های قراردادی و درنهایت نقش و جایگاه دولت در بحث مداخلات در جریان حقوق رقابت با توجه به قواعد عمومی قراردادها خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: قرارداد، قواعد عمومی قراردادها، حقوق رقابت، نظم عمومی، حاکمیت اراده

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین. (نویسنده مسئول)

hamed.mehrad69@yahoo.com

^۲ دانشیار و عضو هیأت علمی، دانشکده حقوق، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین.

sm_h_saei@yahoo.com



مقدمه

در دوره کنونی ضعف در مذاکره در قراردادهای، ترازویی نابرابر و به نفع طرف قوی‌تر در قدرت بیان و چانه‌زنی ایجاد شده و سوءاستفاده طرف قوی‌تر سبب ایجاد مشکل در اصل آزادی قراردادهای و قواعد سنتی حقوق قرارداد برای تأمین عدالت قراردادی شده و دیگر به‌تنهایی از قدرت تأثیرگذاری لازم به‌منظور حمایت از حقوق فردی اشخاص و طرفین عقد برخوردار نمی‌باشند و از این‌رو، نیاز به یک تغییر و تحول و به‌نوعی اصلاح ابزار قرارداد برای ایجاد عدالت و به‌هدف برابری در عقود به حدّ احساس می‌شود. اصلاح ابزار قرارداد برای اینکه دوباره بتواند به هدف عدالت خدمت نماید، ضروری است. در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای اروپایی سوءاستفاده از قدرت مذاکره چانه‌زنی نابرابر، نخست با واکنش دادگاه‌ها روبرو شده است و آن‌ها با به‌کارگیری فن‌های تفسیری و ابزارهای حداقلی موجود در قواعد عمومی قراردادهای، به مقابله با تحمیل قراردادهای و شروط ناعادلانه به‌طرف ضعیف پرداخته‌اند.

از اقدامات مهم قانون‌گذاران جهت برقراری عدالت و حمایت از طرف ضعیف، آزادی قراردادی در حوزه بسیاری از قراردادهای وضع شده است که یکی از قوانین «حمایت از مصرف‌کننده» است. البته باید بیان کرد که باوجود پتانسیل‌های نسبی در قواعد عمومی قراردادهای در حقوق ایران این قانون کنترل قضایی قراردادهای، منعقد شده به سبب سوءاستفاده از قدرت مذاکره و چانه‌زنی نابرابر یا شروط ناعادلانه اغلب ناقص و ناکافی اجرا شده است. (کرمی، ۱۳۹۵، ۱۱).

۱- حقوق رقابت و سیاست‌های در حفظ و تداوم مبانی حقوق رقابت

این واقعیت غیرقابل‌انکار در بحث رقابت که همواره فرایند پویا و همگرایی میان بنگاه‌ها در فرایندی شایسته که منجر به بهبود سطح معاملات و مبادلات قانونی و قراردادی میان تولیدکنندگان و فناوران می‌گردد امری غیرقابل‌انکاری است؛ بنابراین می‌توان فرایند رقابت را مجادله در فروش کالاها دانست به‌طوری‌که هر واحد فروشنده معمولاً به دنبال به دست آوردن حداکثر میزان منافع و درآمد خالص برای خود است که این مجادله یا تلاش در عرصه تداوم معاملات و ارتقاء منافع شخصی اشخاص را تحت تأثیر عواملی به‌مانند، بها یا قیمت‌های که هر فروشنده تعیین می‌نماید به‌طور مؤثر با آزادی انتخاب خریدار در خرید همان کالا، خدمات و یا صنعت از فروشنده یا فروشندگان رقیب محدود دانست؛ درواقع حق و قدرت اراده اشخاص در انتخاب محصولات، خدمات و صنایع با پیشنهاد برابر باقیمت مورد تراضی طرفین و در مقابل محصولات، خدمات و صنایع مورد ارائه دیگر رقبا و یا منجر می‌گردد که مبادلات و معاملات اشخاص رنگ و نمودی خاص‌تر پیدا کند که در این



میان همواره نکته و بحثی که حائز اهمیت است توجه به تضمین آزادی اراده اشخاص در انتخاب و قدرت چانه‌زنی در باب محصولات و منافع معاملات و مبادلات قانونی و قراردادی است؛ بنابراین ضرورت قانون‌گذار در حفظ آزادی حقوق عاملین و متعاملین در معاملات و مبادلات قانونی و توجه به همان قدر ارزش و اهمیت دارد که وضعیت منع و عدم وجود قدرت انحصاری مؤثر اهمیت و ضرورت توجه دارد چراکه در فرض عدم قدرت تعیین قدرت قیمت‌گذاری توسط هریک از طرفین معاملات آسیب‌ها و تعارضات عمده‌ای ایجاد می‌گردد؛ به این ترتیب قانون‌گذار در تعریف خود در ضمن قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهار قانون اساسی در باب رقابت با توجه به ضرورت‌های فوق‌الذکر در بیان تعریف رقابت مقرر می‌دارد که:

«رقابت؛ وضعیتی در بازار که در آن تعدادی تولیدکننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید و یا فروش فعالیت می‌کنند، به طوری که هیچ‌یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان قدرت تعیین قیمت را بازار نداشته باشند یا برای ورود بنگاه‌ها به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود نداشته باشد». (برزگر، ۴۳، ۱۳۹۳)

حال در این میان ممکن است در بازار وضعیت و حالتی ایجاد شود که یک یا چند بنگاه اقتصادی و شاغل در حوزه تولید و یا توزیع محصول و یا محصولاتی خاص، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی که قدرت تعیین و یا مقدار را در بازار داشته باشد یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه شوند و در حقیقت امکان مبادلات و معاملات آزاد و قیمت‌گذاری مشروع محصولات از بین برود و از این رو محدودیت‌های در آزادی اراده اشخاص و طرفین معاملات و مبادلات گردد در این رو نیاز و صورت مجموعه‌ای مقررات و قواعد حقوقی که متضمن رقابت میان عاملان اقتصادی و حفظ و ثبات اقتصادی و اجتماعی جامعه به منظور تسلط و حفظ بخشی بازار است ضروری است (کریاسیون، ۸، ۱۳۹۶).

۱-۱- جایگاه رقابت و مبانی حقوق رقابت

همان‌گونه که اشاره شد؛ با توسعه و پیشرفت روابط و جوامع بشری و همچنین تأثیر فناوری و فناوری بر سطح روابط تجاری اشخاص همواره، عرصه رقابت اشخاص و افراد را با تغییرات و تعارضات و تعاملات پیچیده‌ای روبرو شده است. به طوری که در گذشته به طور عمده ممکن بود صرفاً شاهد وجود رقابت بین مصرف‌کنندگان با یکدیگر جهت بهره یافتن از منابع و محصولات مورد نیاز از لحاظ بهره‌گیری از محصولات ارزان‌قیمت‌تر و باکیفیت مطلوب با تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان محصولات و خدمات باشیم اما با توسعه علم اقتصاد و روابط تجاری اشخاص در حقوق تجارت



مفاهیم و ابتکاراتی نو در حقوق تجارت همواره در حال خلق و توسعه ابعاد تجاری و حقوقی روابط اشخاص خصوصاً در عرصه حقوق رقابت است به طوری که ممکن است قواعد و اصول حاکم بر قراردادهای و حقوق اشخاص و افراد را با تردید روبرو سازد و با ایجاد رویه غیرمنصفانه ممکن است موجبات اضرار حقوق تولیدکنندگان و مصرف کنندگان را در چرخه رقابت در پی آورد.

یکی از عوامل پویایی و تحرک در بازار وجود رقابت میان تولیدکنندگان و توزیع کنندگان محصولات مختلف و بقای تحرک و پویایی نظام رقابتی در بازار است. به عقیده آدام اسمیت^۱ پدر علم اقتصاد: «رقابت آزاد تجاری مهم ترین و تنها موقعیتی است که در آن فعالان تجاری حداکثر تلاش خود را برای افزایش تولید و کاهش هزینه به کار می برند، لذا نیازمند قواعدی هستند که از جریان معقول عرضه و تقاضا حمایت کند (عامری، ۱۳۸۹)»، حمایت از حقوق تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان در حفظ نظام قاعده محور بازار رقابتی مستلزم تدوین اصول و قواعدی است که در کالبد مقررات و قوانین پایه ریزی شده و تضمین کننده یک رقابت سالم بین طرفین بازار رقابتی هستند. در این میان می توان گفت یکی از اهداف این پژوهش بررسی مقررات و قوانین حاکم بر قواعد عمومی قراردادهای و نقد جایگاه قواعد عمومی قراردادهای در قالب قواعد و مقررات حقوق رقابت است.

مسلم است، بازار رقابتی به خودی خود قدرت و توانایی اصلاح نواقص و معایب خود را ندارد؛ بنابراین اقتصاددانان و حقوقدانان به دنبال یافتن راهحلی در مقابله با تعارضات و آسیب های سوء حاصل از رقابت نامشروع و ایجاد شرایط رقابتی غیرمنصفانه در قواعد و قراردادهای، اقدام به ایجاد شاخه ای در حقوق تحت عنوان حقوق رقابت به منظور برطرف کردن نقایص موجود در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد و رقابتی کردند؛ بنابراین می توان گفت که حقوق رقابت به دنبال اهدافی چون کارایی، افزایش رفاه، ایجاد رقابت، حمایت از بنگاه های نوین و اهداف متعدد دیگری است و به منظور دستیابی به اهداف خود رفتار نمادها و فعالین حوزه های اقتصادی را تنظیم و اصلاح می نماید و از به وجود آمدن انحصار جلوگیری و در مواقعی که این وجود ضرورت داشته باشد از سوءاستفاده از این موقعیت برتر جلوگیری به عمل آورده و در صورت نیاز با توسل به ضمانت اجرای مقتضی و متناسب با قوانین و قواعد حاکم، با افراد متخلف برخورد می نماید در واقع حقوق رقابت با توسل به تحول قواعد عمومی قراردادهای و محدود کردن آزادی اراده طرفین، توجهات به نظم عمومی حاکم بر روابط تجاری و اجتماعی جامعه و رعایت اوصاف منصفانه بودن روابط رقابتی، سعی بر تعریف حدود

¹ Adam Smith.



و لزوم مشروعیت قراردادهای و حدود آنان در قواعد حقوق رقابتی با توجه به تحولات و ضرورت‌های بازار تجارت و در جهت توسعه و بهبود رقابت سالم دارد. بنا بر دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان، رقابت یکی از عناصر ضروری و اساسی اقتصاد موفق به شمار می‌آید (نوروزی شمس، ۱۳۹۴، ۶). آنها معتقدند حاکمیت رقابت در اقتصاد می‌تواند موجب حفظ سطح قیمت کالا و خدمات در حد معقول شود، چیزی که هیچ‌گاه از طریق اعمال کنترل متمرکز دولت‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. همچنین آنها بر این باورند که رقابت ابزار مناسبی برای مدیریت و هدایت اقتصاد ملی کشورها و بلکه اقتصاد جهانی است (شکوهی، ۱۳۹۴، ۸۳). از نظر آنان ایجاد انحصار و حذف رقابت از نظام اقتصادی نتیجه‌ای جز تنزل کیفیت و تنوع کالاها و از بین رفتن حس نوآوری و نهایت قدرت انتخاب و زیان مصرف‌کنندگان نخواهد داشت. به همین جهت در اکثر کشورها به موازات انجام اقدامات آزادسازی و خصوصی‌سازی اقتصادی، انحصار دولتی نیز به تدریج محدود گردیده است. در این میان پیش‌فرض حقوق قراردادهای سنتی که علامت مشخصه آن شکوه و اقتدار اصل آزادی قراردادی است، برابری یا دست‌کم برابری نسبی طرفین قرارداد است.

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش در باب مطالعه و بررسی قواعد عمومی قراردادهای حاکم بر حقوق رقابت

در بیشتر نظام‌های حقوقی به‌رغم حمایت از انحصار قانونی (قنادان، ۱۳۹۶، ۱۵۱) و پذیرش انحصار طبیعی رفتار دارنده حق انحصاری از شمول اجرای قواعد حقوق رقابت خارج نیست^۱؛ بدین معنا که بنگاه اقتصادی نباید در استفاده از حق انحصاری خود مقررات حقوق رقابت را نادیده انگارد و در انجام فعالیت اقتصادی و اجرای حق خود موجب اضرار دیگران شود و یا در قراردادهای واگذاری، شروطی بگنجاند که موجب اخلال در رقابت گردد (خشنودی، ۱۳۹۳، ۷). در برخی موارد قواعد حقوق رقابت به حقوق مدنی و اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای نیز سرایت می‌کند. به‌عنوان نمونه می‌توان به الزام بنگاه مالک حق انحصاری مورد حمایت یا دارای «امکان اساسی» به واگذاری حق یا امکانات یادشده به سایر رقبا برخلاف میل خود اشاره کرد (خشنودی، پیشین، ۱۰). در حقیقت می‌توان گفت که یکی از اهرم‌های سیاست‌گذاری در بازار به‌منظور حفظ و تقویت رقابت سالم تجاری «حقوق رقابت تجاری» است. چراکه با ضرورت وجود رقابت در بازار با توجه به ضرورت و نیاز بازار برای حفظ منافع اجتماعی و اقتصادی، همواره امکان گسترش انحصار و دیگر اقدامات محدودکننده در آزادی و سلامت معاملات

^۱ ماده ۵۱ ق.ا.یک. ۴۴۱



تجاری وجود دارد، لذا امکان کنترل بازار با توجه به ابزاری که حقوق رقابت در اختیار دولت و تجار، تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان می دهد این امکان را فراهم می سازد که زیانهای حاصله از اقدامات تهدیدکننده یا مخرب رقابت را کاهش دهد یا از بین ببرد. در حقیقت توجه به نقش مهم و اساسی «رقابت» در اقتصاد ملی کشورهای جهان، یکی از نتایج رویکرد جدید است که طی قرن بیستم میلادی در نتیجه آزادسازی و خصوصی سازی اقتصاد ملی در بسیاری از کشورهای جهان پدیدار شده است. در این رویکرد اغلب کشورهای جهان به این باور رسیده اند که با حمایت از رقابتی شدن اقتصاد ملی نه تنها می توانند به نحو مطلوبی آنان را اداره و مدیریت نمایند، بلکه می توانند موجبات رشد و شکوفایی اقتصادی خود را نیز بیش از پیش فراهم سازند. بدیهی است، کارایی تجارت تا حدود زیادی در گرو بسترسازی برای رقابت واحدهای تجاری است و به موازات تلاش بنگاه های اقتصادی در تصاحب هرچه بیشتر منابع در بازار، رقابت توسعه می یابد.

چنانچه بنگاه اقتصادی دارای حق انحصاری، از نظر حقوق رقابت در «موقعیت برتر» قرار داشته باشد، امتناع از واگذاری حق انحصاری یا مجوز بهره برداری که برای بازار پایین دستی ضروری است ضد رقابتی تلقی می شود و چنانچه حق انحصاری یادشده واجد وصف «امکانات اساسی» باشد، به نحوی که حفظ رقابت در بازار منوط به دسترسی سایر رقبا به امکانات یادشده باشد، دارنده نمی تواند به حق انحصاری خود استناد کند و مانع استفاده دیگران از آن شود. از این رو، اگر حقوق مالکیت فکری رفع انحصار را با انعطاف پذیری برمی تابد، الزام دارنده به واگذاری حق یادشده با شرایط مشخص را نمی توان با توسل به جهات یادشده توجیه کرد؛ زیرا بررسی چگونگی «اجبار» به انعقاد قرارداد، خارج از قلمرو حقوق مالکیت فکری بوده، مشمول قواعد و اصول حاکم بر قراردادها است و تحلیل دیگری را می طلبد (فرجی، بی تا، ۱۲۴).

از طرفی مبانی حقوق عمومی حقوق رقابت که همزاد تحولات اقتصادی است متأثر از تئوری های اقتصادی و نظریه های مختلف در باب دولت بوده است، چراکه اساساً بازخوانی تجربه تاریخی حاکی از آن است که پس از بحران های مالی بین دو جنگ جهانی و پس از جنگ جهانی دوم که یکی از این مشکلات ایجاد انواع انحصارها بود، نقصان سیستم اقتصاد آزاد کلاسیک و نظام حقوقی آن برملا شد. از این رو نظام های اقتصاد رفاهی با تأسی از نظریات کینز^۱ برپا گردید. در این گفتمان دولت فعال پا به عرصه وجود می نهد و دخالت آن در حوزه های اقتصادی-اجتماعی در پرتو نظریات سوسیالیستی و دموکراسی اجتماعی مشروع انگاشته می شود و این مشروعیت یا

¹ John Maynard Keynes



اجازه دخالت دولت در گفتمان دولت رفاهی معنا می‌یابد. از این رو دولت‌ها ابزارهای حقوقی لازم را برای دخالت، کنترل و نظارت بر حوزه‌های اقتصادی فراهم می‌کنند. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حقوقی، قواعد حقوق رقابت است که در چارچوب کلی‌تر حقوق عمومی اقتصادی معنا می‌یابد. (سماواتی، ۱۳۹۵، ۴۳).

۲- ارتباط قواعد عمومی قراردادها و حقوق رقابت

حقوق رقابت نیز به تسری از قواعد عمومی قراردادها اساس و مبنای خود را آزادی رقابت و فعالیت تجاری بر تکیه بر آزادی و استقلال اراده طرفین معاملات و مبادلات قراردادها است؛ و به تبع از قواعد عمومی قراردادها اصول و مبانی حقوق رقابت نیز به وسیله نظم عمومی، قانون و اخلاق حسنه تخصیص خورده است؛ در حقوق رقابت نظم عمومی شامل موارد متعددی است که از جمله مهم‌ترین آنها، نظم اقتصادی است؛ بنابراین می‌توان تأکید کرد که حقوق رقابت به عنوان یک نهاد مستقل حقوقی و متأثر از قواعد عمومی قراردادها به دنبال ایجاد، حفظ و توسعه نظم اقتصادی در جریان نظامات تجاری و اقتصادی جامعه است که البته به منظور ایجاد، حفظ و توسعه نظم تجاری و اقتصادی جوامع اسباب محدودیت آزادی قراردادی اشخاص را نیز فراهم می‌سازد به بیان روشن‌تر حقوق رقابت و حقوق قراردادها نه تنها از یکدیگر تأثیر گذاشته بلکه از یکدیگر تأثیرپذیر نیز هستند به این معنی که حقوق قراردادها از طریق اصل آزادی قراردادی به افراد جامعه این جامعه این اجازه را داده است تا هر نوع قراردادی که مخالف با قانون نباشد را منعقد نمایند، البته با ذکر این اخص و تذکر که موجب افتراق حقوق رقابت از قواعد عمومی قراردادها شده است در حقوق رقابت با تنظیم قواعد و مقررات تنظیمی و ارشادی قانون‌گذار به منظور حفظ و توسعه فضای رقابتی در تجارت و اقتصاد اقدام به ایجاد محدودیت در اصل آزادی اراده و استقلال قراردادهای تجاری نموده و کاهش حدود این اصل در بین رقبا نموده است و در مواردی که نتیجه قرارداد اشخاص، محدودیت ملل رقابت آزاد در بازار باشد، آن را ممنوع اعلام می‌کند همچنین در حقوق رقابت شرایطی برای مرحله انعقاد قرارداد بین رقبا و مراحل اجرای آن، در نظر گرفته شده است که این مهم خود اسباب توسعه و رونق اقتصادی کشورها و مؤسسات تجاری را فراهم می‌سازد بنابراین؛ حقوقدانان و دکترین در ضمن قواعد و مقررات حقوق رقابت به دنبال تدوین، تنظیم و تشریح شرایطی برای فعالان تجاری‌اند که خود ضمن تأمین اهداف حقوق اقتصادی موجبات تسبیح توسط نظم اقتصادی را نیز فراهم نماید؛ در این میان حقوق قراردادها نیز در مواردی به کمک حقوق رقابت می‌آید، توافقات بین فعالان تجاری را تبیین و شماری از آنها را صحیح وعده‌ای را باطل تلقی می‌کند به عنوان مثال در خصوص شرط عدم رقابت که در نگاه اول باعث به وجود آوردن محدودیت‌هایی می‌شود و باید



باطل قلمداد گردد، بر طبق حقوق قراردادهای شرایطی برای معافیت از ممنوعیت این دسته شروط می‌توان اعلام نمود به‌عنوان مثال در صورتی که این شرط برای محدوده زمانی خاصی در نظر گرفته شده باشد صحیح است، همچنین است اگر در محدوده جغرافیای مشخصی قرار گیرد^۱ یا در صورتی که قرارداد هدفی مشروع و از نظر اقتصادی مثبت داشته باشد و برای نیل به آن هدف، راهی جز پیش‌بینی برخی از محدودیت‌ها نداشته باشیم می‌بایست آن را ضروری تلقی کنیم (وکیلی مقدم، ۱۳۹۷، ۴۰). تعیین مشروعیت قرارداد و تناسب محدودیت باهدف مورد انتظار، از طریق استفاده از ضوابط حقوق قراردادهای به دست می‌آید از این رو قواعد عمومی قراردادهای در راستای به وجود آوردن رقابت هر چه بهتر و سالم‌تر در بازار کمک می‌کند.

۲-۱- اهمیت توجه به مبانی حقوق رقابت و بررسی منشأ و ارتباط آن با مبانی قواعد عمومی قراردادها

تحلیل مبانی حقوق عمومی رقابت حوزه‌های وسیعی را دربر می‌گیرد، چراکه موضوعات زیادی در این طیف جا گرفته اما آنچه عمدتاً در این پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد تحولات و ضرورت‌های اقتصادی موجود در قواعد عمومی قراردادهای تجاری است که در قالب حقوق رقابت و با توجه به ضرورت‌ها و نیاز اقتصاد شکل گرفته‌اند. اهمیت این بحث با توجه به گسترش سطح مبادلات اقتصادی بین کشورها از یک طرف و از طرف دیگر ایجاد یک زنجیره غیرقابل‌انکار بین اشخاص و افراد در حوزه حقوق تجارت و بازار با مباحث روز بیش‌ازپیش ما را واداشته است. رفع انحصار به سبب ضرورت حمایت از رقابت و تأثیرپذیری حقوق مالکیت فکری قابل توجه است، لذا بحث در باب اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی را که مانع از اجبار یک طرف به بستن قرارداد و تحمیل شروط قراردادی بر او می‌شود از اهمیت و لزوم ویژه‌ای برخوردار است (خشنودی، ۱۳۹۳، ۹). در چگونگی تبیین منشأ و مبانی تأثیرپذیری حقوق قراردادهای از حقوق رقابت که هسته اصلی تشکیل‌دهنده این بحث به شمار می‌آید، تحلیل آثار و نتایج ناشی از پذیرش این الزام‌ها اهمیت حقوق رقابت را آشکار می‌کند. در خصوص جنبه عملی نظریه یادشده، باید اشاره کرد که رویکرد پذیرفته‌شده در حقوق رقابت، از طریق گسترش قلمرو مفهوم نظم عمومی و ترجیح حفظ مصالح اجتماع بر منافع اشخاص اعمال می‌گردد. مخالفت بنگاه اقتصادی دارای حق انحصاری یا «امکانات اساسی» با واگذاری، «امتناع از عرضه» و تحمیل شروط

^۱ مستدل به ماده ۹۵۹ و ۹۶۰ قانون مدنی.



قراردادی از طرف او به متقاضی بهره‌برداری، «سوءاستفاده از موقعیت برتر»^۱ تلقی و با ضمانت اجرای اعمال ضد رقابتی مواجه می‌شود. (صادقی، ۱۴۵، ۱۳۹۰) که در این میان قواعد حاکم بر حقوق رقابت متأثر از تحولات و مبانی قواعد عمومی قراردادها به دنبال تسهیل روند رقابت و پیشگیری و منعانت از سو استفاده از برتری طرفین و امکان رقابت فی‌مابین تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان موضوع مطالعه حقوق رقابت بپردازند در این میان، نقش دولت به‌عنوان یک مقام ارشادی و نظارتی در عرصه حقوق اقتصادی خصوصاً با توجه به قواعد موجود در حوزه حقوق رقابت از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار است چراکه، منطق اقتصادی حکم می‌کند که بقا و افزایش سهم بازار محقق نخواهد شد، مگر آنکه با حداقل منابع و کمترین هزینه، بیشترین تولید ممکن را داشته باشند کارایی تولید، در مقایسه با رقبا کمترین قیمت ممکن را تعیین و برای جلوگیری از هدر رفت منابع، دقیقه به میزانی که تقاضا در بازار وجود دارد تولید کنند (قنادان؛ پیشین: ۱۵۶). کارایی تخصصی، همواره برای جلب نظر مشتریان بیشتر، در اندیشه تولید محصولات جدید و برتر باشند و در این راه، دست به ابداع و ابتکار زنند و کارایی پویا در این میان دولت به‌عنوان حافظ منافع جوامع در ایجاد این عوامل و حفظ تداوم آن نقش کلیدی و بسزایی ایفا می‌نماید. با توجه به قواعد لیبرالیسم^۲ نظم در بین بازار به‌صورت خودجوش ایجاد می‌گردد و دخالت دولت در قالب قواعد حقوق عمومی اقتصادی غیرموجه است اما تجربه و واقعیت‌های موجود در حوزه حقوق اقتصادی همواره رد فضا و جایگاه دولت را با تردید روبرو کرده است و همواره با توجه به ضرورت‌های موجود در حوزه تجارت و اقتصاد بین‌الملل نقش ارشادی و نظارتی دولت‌ها غیرقابل‌انکار است. درواقع همان‌گونه که بیان شد برای تضمین قواعد رقابت در بازار و جلوگیری از رویه‌های ضد رقابتی، حقوق رقابت با توجه به تحولات و ضرورت‌های موجود اقدام به اتخاذ رویه و راهکار مقتضی در جهت حفظ ثبات و تأمین نظم عمومی در بازار و اقتصاد است. چراکه تأمین فرصت و برخورد برابر و منصفانه توسط حکومت و ایجاد حقوق رقابت صحیح در میان تولیدکنندگان در تولید محصولاتی با کارایی بالا و متناسب از یک‌طرف و از طرف دیگر ایجاد امکان و بستر جهت کاهش هزینه‌های مبادله، قابلیت پیش‌بینی بازار و تدوین مقررات تضمینی و محرک در ضمن چرخه تولید و تجارت توسط دولت و در قالب قوانین توسط دولت از اهمیت و ضرورت خاص و حیاتی برخوردار است. در این میان حقوق رقابت به‌عنوان شاخه‌ای از علم حقوق با کمک مفاهیم و ابزارهای اقتصادی سعی در ایجاد رقابت در بازار و ارتقاء یا حداقل حفظ و مراقبت از آن را دارد. به عبارت دقیق‌تری توان اظهار داشت که حقوق رقابت یا به

^۱ بند ۱۵ ماده ۱ ق.ا.س.ک. ۴۱

^۲ Liberalism



قوانینی اطلاق می‌شوند که از رقابت آزاد در فعالیتهای اقتصادی و تجاری حمایت و از شکل‌گیری انحصار در این‌گونه فعالیت‌ها جلوگیری می‌کنند (نوروزی، ۹۳، ۱۳۸۴).

۲-۲- سیر تاریخی و قانونی تحولات حقوق رقابت و حقوق رقابت

از جمله قواعد حاکم بر قراردادهای در سده اخیر ایجاب می‌کند که افراد در انتخاب طرف قرارداد و همچنین تعیین توافق و تراضی محتوای قرارداد آزاد بودند. لیبرالیسم نیز با تسلط خود در عرصه‌های قراردادهای خصوصی معتقد بود که مشکل منطقی به نام عدالت در این قراردادهای وجود ندارد، از این‌رو اصول آزادی قراردادی و موقعیت برابر طرف‌های مذاکره‌کننده به‌طور پیش‌فرض تداعی‌گر یک قرارداد در بردارنده ماهوی منصفانه و برابر است. سیره مطلق مکاتب حاکمیت فرد در قرن هجدهم، این امر را تلقی می‌کرد که در حوزه رقابت طرفین جهت به دست آوردن منافع بیشتر، حقوق قرارداد تنها ایفاکننده قواعدی منصفانه در زمین‌بازی است که بتواند قراردادهای را تعیین و تنظیم کند، اما در مقابل مسابقهٔ قرارداد به‌مثابه داوری بی‌طرف است. افرادی که از قابلیت و صلاحیت لازم برخوردار هستند تا از این طریق از منافع خود حمایت کنند، آزاد هستند با رعایت خطوط ترسیم شده حقوق قرارداد، مفاد التزامات خود را تعیین نمایند. در نتیجه در صورتی که در فرآیند انعقاد قرارداد، قواعد بازی شامل حيله و تقلب و عدم اجبار و اکراه... رعایت شده باشد، غیرعادلانه بودن قرارداد مبنای موجهی برای کنار گذاشتن قرارداد یا بی‌اعتباری، نخواهد بود و قاضی وظیفه دارد آن را به‌نحوی که منعقد شده است، اجرا نماید؛ اما تحولات اقتصادی و اجتماعی گوناگون به‌ویژه از نیمهٔ قرن نوزدهم از قبیل جنگ‌های جهانی، صنعتی شدن، توسعهٔ روزافزون اقتصادی و ... به‌تدریج واقعیت‌های عرصهٔ قراردادها را تغییر داد؛ یکی از این تغییرات که به‌وضوح معلوم است نابرابری طرفین قرارداد است که خبری از برابری نیست و طرف‌های قوی و ضعیف هستند که در قرارداد رودرروی یکدیگر قرار می‌گرفتند. (کرمی، ۱۳۹۵) از موارد این نابرابری می‌تواند بین قراردادهای طرفین در قراردادهای مستأجران در برابر مالکان، مصرف‌کنندگان نیازمند به کالاها و خدمات در برابر بنگاه‌های قدرتمند اقتصادی تولیدکننده یا فروشنده، کارگران در مقابل کارفرمایان، وام‌گیرندگان در برابر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و... آزادی قراردادی که از متصور عدالت عمومی در عرصه اقتصادی به سبب از بین رفتن اساسی‌ترین پیش‌فرض آن، یعنی انتخاب آزاد و حاکمیت اراده طرف‌های برابر، به‌آرامی از عدالت فاصله گرفت. قراردادهای نمایشگر اراده طرف قوی بودند که با بهره‌گیری از قدرت چانه‌زنی برتر خود، کفهٔ ترازوی قرارداد را به سمت خود سنگین نماید و این نوع قراردادهای دیگر انعکاس دهند توافق و اعمال اراده آزاد طرفین نیست.



در حقیقت اواخر قرن ۱۹ میلادی سلطه شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی بر اقتصاد ملی کشورها و بازارهای بین‌المللی امری طبیعی به شمار می‌آمد. حضور کارتل^۱ ها^۲ و تراست^۳ ها^۴ صرفاً به محدوده اقتصاد ملی کشورها منحصر نمی‌شد. این‌گونه بنگاه‌های اقتصادی گاه به شرکت‌های چندملیتی تبدیل شده بودند که نه تنها در اقتصاد ملی کشور مبدأ، بلکه در صحنه اقتصاد جهانی و همچنین در عرصه اقتصادی سایر کشورها نیز از موقعیت ممتاز و برتری برخوردار بودند. در اکثر کشورهای جهان اعطای امتیازات تجاری انحصاری به مؤسسات و بنگاه‌های تجاری داخلی یا بیگانه امری رایج و متعارف به شمار می‌آمد. همان‌گونه که اشاره شد؛ خارج از مباحث موجود بحث آزادی اراده اشخاص در انعقاد قراردادهای و نابرابری اشخاص و عدم برابری در قدرت چانه‌زنی و جایگاه اقتصادی بین متعاملین امری مهم به نظر می‌رسد که این بحث و موضوع جایی تشدید می‌شود که افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی به‌ویژه کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد زمینه‌های مناسب برای شکل‌گیری بازار را ایجاد نمود (ساردویی نسب، ۱۳۹۰، ۴۱). مهم‌تر اینکه در کنار هدف قرارداد ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فن‌آوری، به افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی که موتور محرکه^۵ عملکرد بازار محسوب می‌شود، توجه ویژه گردید.

در اکثر کشورهای اروپایی از منظر حقوقی در گام اول دادگاه با واکنش نشان دادن به این وضعیت سعی کردند که با روش‌های پنهان‌سازی و در گام‌های بعدی علنی‌سازی، باهدف و انگیزه تأمین عدالت و کمک به بازوی انصاف، با قراردادهای نابرابر مقابله کنند. اما ضرورت کنترل عمومی از سوءاستفاده از نابرابری سامانمند (در برابر موردی و اتفاقی) طرفین قرارداد، نیازمند همتی گسترده و پیشگیرانه بود و موضوعی نبود که دادگاه بتواند خود را درگیر مباحث کنترلی نماید. از همین رو،

¹ Cartel

^۲ کارتل‌ها؛ شرکت‌هایی هستند که در یک‌رشته^۵ خاص فعالیت می‌کنند و با حفظ استقلال مالی و حقوقی خود با یکدیگر متحد می‌شوند و در مورد تقسیم بازار میان خود و حجم تولید و قیمت کالا با یکدیگر به توافق می‌رسند. هدف کارتل‌ها تسلط بر بازار یک کالای خاص از طریق تضعیف یا از بین بردن رقابت در بازار آن کالا توسط ایجاد انحصار است. نمونه بارز کارتل‌ها از سال ۱۹۳۳ در آلمان و کشورهای اروپای غربی است. به خاطر تأثیر منفی کارتل در از بین بردن رقابت، قوانین ضد ایجاد کارتل در آلمان و برخی کشورهای دیگر به وجود آمد.

³ Trust

^۴ تراست‌ها؛ از اتحاد چند شرکت که کالایی مشابه به هم تولید می‌کنند و سهم عمده‌ای از بازار را در اختیاردارند به وجود می‌آید. تراست سهام شرکت‌هایی که در آن عضو هستند را به صورت امانت نگه می‌دارد، اما مالکیت سهام برای خود شرکت‌ها باقی می‌ماند. اما شرکت‌ها استقلال مالی، فنی و بازرگانی خود را از دست می‌دهند و تمام امکانات و قدرت عمل آن‌ها در تراست متمرکز می‌شود. وظیفه اصلی تراست کنترل امور شرکت‌های عضو از طریق کنترل آرای سهامداران آن شرکت‌ها، انتصاب مدیران و اعمال نظارت مرکزی بر امور یکایک آن‌ها است، به‌نحوی که حداکثر سود تراست حاصل شود و درنهایت این سود میان اعضا تقسیم گردد.



قانون‌گذاران موظف به دخالت شده و به تدریج مقرراتی برای قراردادهایی که دو کفه قوی و ضعیف را دارا بودند برای حمایت از طرف ضعیف‌تر وضع کردند و به این شکل حقوق رقابت تحت عنوان یکی از زیرشاخه‌های علم حقوق پا به عرصه وجود گذاشت. در حقیقت حقوق رقابت یا ضد انحصار به قوانینی اطلاق می‌شود که از رقابت آزاد در فعالیتهای اقتصادی و تجاری حمایت می‌کند و از شکل‌گیری انحصار در این‌گونه فعالیت‌ها جلوگیری نماید. هدف حقوق رقابت ایجاد و ساخت فعالیت‌هایی مؤثرتر در بازارها به وسیله ایجاد چارچوبی برای فعالیتهای رقابتی است (الف، ۱۳، ۱۳۸۴).

رقابت مختلف میان شرکت‌ها، عاملی حیاتی برای ایجاد بازارهایی قوی و کارآمد است. رقابت به مصرف‌کنندگان یاری می‌رساند تا محصول خوبی را به دست بیاورند، شرکت‌ها را تشویق می‌کند تا با افزایش فعالیت، کاهش هزینه‌های تولید و ایجاد انگیزه، برای تولیدهای بیشتر نوآوری داشته باشند. همچنین گفته شده که حقوق رقابت فرآیندی از رقابت شرکت‌هایی است که تلاش می‌کنند تا با دستیابی به قیمت و هزینه‌های کمتر بازار مصرف را برنده شوند، محصول‌های جدید وارد بازار کنند و یا خدمات و مهارت‌ها یا دیگر محصول‌ها را برای بیشتر برطرف کردن نیاز مصرف‌کنندگان و مؤثرتر از دیگر رقبا تولید کنند.

۳- جایگاه مداخلات دولت‌ها به منظور حمایت از حقوق اشخاص در سایه سیاست‌های حقوق رقابت

حقوق رقابت به عنوان مجموعه قواعد حاکم بر رقابت و تلاش عوامل اقتصادی برای دست گرفتن یا حفظ قسمتی از یک بازار، بخشی مهم از حقوق اقتصادی است. ابزار حقوق رقابت به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا به نحو کارآمدی بر محیط اقتصادی تأثیرگذار بوده و کنترل بازار را به دست گیرند.

بدیهی است که مداخله آمرانه دولت‌ها به منظور حمایت از کل جامعه در برابر رفتارهای انحصاری و ضد رقابتی فعالان بازار و همچنین حمایت از بخش‌های جزئی و خاص اقتصاد، می‌تواند تاندازه‌ای راه‌حل منطقی مقابله با انحصار و تقویت حقوق رقابت باشد؛ زیرا اقتصاد بازار نمی‌تواند به خودی خود برای انحصار، نابرابری اطلاعات و عوارض جانبی ناشی از فعالیتهای اقتصاد بازار چاره‌ساز باشد. ابزارهای حقوق خصوصی نیز در اصلاح وضعیت بازار ناکام هستند. از این‌رو دولت باید برای کنترل و هدایت بازار با روش‌های دیگری وارد عمل شود. دولت برای اصلاح کاستی‌های بازار ممکن است ابزارها و سیاست‌های مختلفی در پیش گیرد. از جمله ابزارهای حقوقی‌ای که از ماهیت حقوق



عمومی برخوردارند و بر اساس عدالت توزیعی در نظام اقتصاد هنجاری تجویز می‌شوند، می‌توان حقوق رقابت، حقوق بازار به‌بازار اوراق بهادار و... را نام برد. در این میان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی این مهم در ضمن فصل نهم اصل چهل و چهار قانون اساسی مورد بررسی و تأکید قرار گرفته شده است؛ در این میان دولت به‌منظور تسهیل در رقابت تلاش دارد تا هرگونه توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی)، تبانی از طریق قرارداد، بین اشخاص که اثرات آن به نحوی ایجاد اخلال در نتیجه کند، جلوگیری کند:

۱- مشخص کردن قیمت‌های خرید یا فروش کالا یا خدمت و نحوه تعیین آن در بازار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم

۲- محدود کردن یا تحت کنترل درآوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت در بازار

۳- تحمیل شرایط تبعیض‌آمیز در معاملات همسان به‌طرف های تجاری

۴- ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث یا تحمیل کردن شروط قرارداد به آنها

۵- موکول کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرف‌های دیگر که بنا بر عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارد (جلالی، ۱۳۸۸، ۳۲)

۶- خدمت بین دو یا چند شخص یا تقسیم و تسهیم بازار کالا

۷- توافق یا تفاهم به بازار محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد

بنابراین دولت به‌منظور جلوگیری از موارد فوق و تقویت ابعاد رقابت و به‌تبع حمایت از حقوق رقابت در ضمن فصل نهم اقدام به تشکیل شورای رقابت نموده است که در ضمن پژوهش موجود به‌صورت ضمنی و عینی در خلال مباحث به بررسی و نقش جایگاه این شورا در بحث اصول و قواعد حاکم بر قراردادها در پرتو حقوق رقابت خواهیم پرداخت. با عنایت به فصل نهم قانون اجرای سیاست کلی اصل چهل و چهار می‌توان درک نمود که دولت به‌عنوان مقام ارشادی، سعی بر تسهیل و منع انحصار و تشریح حقوقی مفهوم نابرابری قدرت مذاکره و مبانی و اصول حاکم بر قواعد عمومی قراردادها دارد. موضوع و بحثی که شایسته است مورد بحث و مطالعه قرارگیری بررسی حقوق تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان خدمات و محصولات تجاری و ... با توجه به قواعد حاکم بر تحولات حاکم بر قواعد عمومی قراردادها در پرتو حقوق رقابت است. بدیهی است



تأثیر سوءاستفاده از این قدرت و امکانات موجود در قواعد عمومی قراردادها و اهمیت رقابت در اقتصاد خصوصاً با توجه به رشد و توسعه روزافزون اقتصاد تحت تأثیر جنبه‌های نوین پیشرفت فناوری، ضرورت مداخله در قراردادهای خصوصی بین متعاملین را با توجه به حوزه موردبحث در حقوق رقابت بیش‌ازپیش کرده است.

۳-۱- ضرورت هماهنگ‌سازی قواعد و مبانی حقوق رقابت بین‌الملل در ایران

با دقت و بررسی تاریخ تحولات تجارت بین‌الملل، همانند تجارت در عرصه داخلی و مبانی و تاریخچه تجارت در امور بین‌المللی تحقق بازار رقابتی، اهمیتی انکارناپذیر دارد. به‌ویژه با توجه به لزوم حمایت از فعالان تجاری بین‌المللی و ایجاد زمین مناسب برای مدیریت ریسک فعالیت فعالان حوزه‌های مختلف تجاری و جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌های میزبان یا تجار دارای وضعیت مسلط اقتصادی، خلأ حاصل از وجود حقوق رقابت در عرصه بین‌المللی تبعات منفی بی‌شماری ایجاد می‌نماید. در این میان، در بسیاری از کشورها مانند ایران به موضوعات مربوط به رقابت بین‌المللی توجه ویژه‌ای نشده است. این امر از یک‌سو حمایت از فعالان و تجار ایرانی در فراسوی مرزها را با ابهام و بعضی ایرادات و خلل‌های مواجه می‌کند و از سوی دیگر، ریسک تجاری فعالیت در ایران را برای تجار غیر ایرانی افزایش می‌دهد. هماهنگ‌سازی به‌مثابه اصلی‌ترین راهکار شکل‌گیری حقوق رقابت بین‌الملل پذیرفته شده است، اما در حال حاضر ابزار تحقق این امر استفاده از قالب‌های حقوق نرم است که بر مبنای آن بدون ایجاد الزام حقوقی تلاش می‌شود فهمی مشترک از موضوعات ایجاد شود. همچنین، اقدامات اخیر حاکی از کاهش شدید نقش‌آفرینی دولت‌ها و واگذاری وظایف سنتی آنها در تدوین قانون و ایجاد قواعد حقوقی به فعالان تجاری است. این روش معضلات مربوط به فقدان نیروی حاکمیت واحد در عرصه بین‌المللی را رفع کرده است و راهکاری مؤثر برای بازتاب دادن اصول و قواعد فنی و تخصصی محسوب می‌شود که جز بر پایه اقتناع و توجیه فعالان، مبنایی برای ایجاد الزام نخواهد داشت. ضروری است در ضوابط حقوق رقابت ایران به شکل مستقل و تفصیلی به مباحث مربوط به رقابت بین‌الملل پرداخته و تلاش شود با اقدامات متناسب این بخش از ضوابط حقوقی با اسناد و معیارهای بین‌المللی هماهنگ شود. این امر برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان ضرورت انکارناپذیری دارد. همچنین، در قوانین باید به تفصیل معیارهای رفتار ضد رقابتی بین‌المللی که مشمول قوانین ایران است تبیین و با ایجاد سازوکار متناسب زمین تعامل مؤثر با سایر کشورهای شریک تجاری ایران پیش‌بینی شود. به نظر می‌رسد در شرایط موجود و با توجه به فقدان قوانین مرتبط، استفاده از معاهده و شروط مربوط به نزاکت مثبت و منفی



کارگشاست. در عین حال، اتاق‌های بازرگانی بین‌المللی می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی، تجار ایرانی فعال در عرصه بین‌الملل را با ضوابط حقوق رقابت در این عرصه آشنا کنند تا فعالان با آگاهی از این ضوابط، ریسک تجاری حاصل از فعالیت در بازارهای جهانی را به بهترین شکل مدیریت کنند.

۳-۲- وضعیت حقوقی محدودیت‌های قراردادی در حقوق رقابت

تبیین قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای رقابتی محدودکننده در مبانی حقوق رقابت از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ در این میان اعمال محدودکننده به دو صورت ممکن است انجام شوند؛ به صورت یکجانبه یا به صورت چندجانبه؛ بدیهی است زمانی که یک بنگاه به تنهایی اقدام به ایجاد رویه‌ها و اعمال محدودکننده و ضد رقابتی می‌نماید؛ به این عمل سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط گفته می‌شود؛ وضعیت اقتصادی مسلط طبق بند ۱۵ ماده ۱ قانون اس.ک وضعیتی در بازار است که تعیین قیمت، مقدار عرضه یا تقاضای کالا یا خدمت با شرایط قرارداد در اختیار یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی قرار می‌گیرد؛ بنابراین بنگاهی که دارای وضعیت مسلط اقتصادی است یا رقیبی ندارد یا اینکه در معرض رقابت قابل توجهی قرار نمی‌گیرد و در بازار مربوطه دارای موقعیت تعیین‌کننده‌ای است. چنین بنگاهی توانایی تحمیل محدودیت‌های مختلف را در ضمن قراردادهای منعقد شده میان خود با سایرین، پیدا می‌کند و در نتیجه می‌تواند از وضعیتی که دار است، سوءاستفاده نماید که بر طبق ماده (ط) ۴۵ قانون اس.ک سوءاستفاده از موقعیت مسلط ممنوع است؛ بنابراین رفتارهای ضد رقابتی تنها به صورت قرارداد نیست، اما می‌توان گفت رایج‌ترین حالت آن انعقاد قرارداد بین بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی است؛ در بسیاری از موارد اشخاص در بازار به منظور کسب سود بیشتر قراردادهایی منعقد می‌نمایند که نتیجه آن ایجاد محدودیت و اخلاف در رقابت و ساختار بازار است. حقوق رقابت به عنوان رشته‌ای از حقوق به بررسی و نبین قراردادهایی در جهت حفظ رقابت تجاری سالم و تقویت نظام اقتصادی می‌پردازد.

۳-۳- اعتبار محدودیت‌های قراردادی با توجه به اصول حاکم بر حقوق رقابت

از ضوابطی که در این رابطه راهگشا از حقوق رقابت را ثابت کرد، لزوم حفظ نظم عمومی و عدم نقض آن از جانب طرفین قرارداد است؛ برابر ماده ۱۰ قانون مدنی اشخاصی که در انعقاد قراردادهایشان آزادند و می‌توانند در تنظیم روابط حقوقی خود با دیگران آزادانه عمل نمایند؛ این اصل تحت عنوان اصل آزادی قراردادی شناخته می‌شود؛ اما قانون‌گذار برای اصل مذکور شرطی گذاشته است و آن عدم مخالفت با قانون است با دقت در ماده ۹۷۵ قانون مدنی و ماده ۶ قانون



آیین دادرسی مدنی، مشخص است که قانون‌گذار لزوم رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه را نیز در انعقاد قراردادهای خصوصی، لازم دانسته است؛ بنابراین عوامل محدودکننده اصل آزادی قراردادی، قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه دانسته است که باهم در ارتباط می‌باشند (کاتوزیان، ۱۳۸، ۱۳۹۷) از اصل آزادی قراردادی باید در راستای تقویت نظم و انضباط در اجتماع بهره برد که این مهم رعایت نشود، قانون آن را محدود می‌سازد؛ این اصل قراردادهای اشخاص را تا جایی که به منافع و مصالح جامعه لطمه‌ای وارد نکند، معتبر دانسته و به آن احترام می‌گذارد.

قراردادهای اشخاص می‌بایست منطبق بانظم عمومی باشند و هر قراردادی که بانظم عمومی مخالفت کند باطل خواهد بود؛ نظم عمومی در این میان انواع مختلفی دارد و با توجه به نیازهای جامعه متغیر و در هر دوره زمانی ممکن است متفاوت باشد و از این‌رو همواره تحولات عمده و یا خاصی را در حوزه تحقق نظم و انضباط عمومی را پیگیری می‌نمایند که در این میان نظم اقتصادی یکی از عمده‌ترین مباحث و مسائل متأثر در حقوق رقابت به شمار می‌آید. قراردادهایی که میان اشخاص در بازار منعقد می‌شود و باعث ایجاد محدودیت در فعالیت ورود و خروج اشخاص دیگر محدودیت ایجاد می‌نماید؛ قراردادی خصوصی هستند که اشخاص انعقاد آنها را در سایه ماده ده قانون مدنی منعقد می‌نمایند؛ در این موارد هیچ ایرادی بر آنها مترتب نیست، گرچه در فرضی که محدودیت‌های قراردادی، تأثیرات مختل‌کننده در بازار داشته باشند، باعث برهم خوردن نظم اقتصادی جامعه می‌گردند، نظم عمومی اقتضا دارد که افراد جامعه آزادند و بدون هرگونه محدودیتی اقدام به تجارت نمایند، بنابراین هر نوع محدودیتی که بر تجارت آزاد ایجاد شده، خلاف نظم عمومی است؛ علاوه بر این محدودیت‌های قراردادی به دلیل اینکه باعث می‌شوند در فعالیت، ورود و سایر حقوق افراد محدودیت ایجاد شود، برخلاف اخلاق حسنه نیز می‌باشند چراکه در نگاه نخست ایجاد محدودیت‌های از این جنس ممکن است از مصادیق ربا و یا احتکار باشد که اسباب عسر و تنگدستی و تحمیل و تشدید فشار اقتصادی را بر افراد جامعه ایجاد نماید و همچنین از منظر دیگر اسباب ائتلاف توان نیروی کار در جامعه را ایجاد نماید لذا گفته شد در نظام حقوقی ایران به جهت محافظت و حفظ نظم عمومی و اخلاق حسنه، مباحث و قراردادهای منتهی به این مباحث و مسائل باطل بوده و موجبات بطلان قراردادهای این جنس را فراهم خواهد آورد.

۳-۴- رویکرد اقتصادی حقوق رقابت در نظام اقتصاد بین‌المللی

یکی از بنیادی‌ترین دلایل خلقت و ایجاد نظام حقوقی مستقل در قالب حقوق رقابت را می‌توان مدیریت منابع و جلوگیری از هدر رفت وقت، انرژی و سرمایه و ایجاد بستر آزاد جهت رونق



اقتصادی در قالب نظام اقتصادی خصوصی در نظام حقوقی بین‌المللی قلمداد نمود؛ در علم اقتصاد نیز از همین معنا دور نیفتاده است؛ در مورد اهداف حقوق رقابت میان صاحب‌نظران و نظام‌های حقوقی، اتفاق نظر وجود ندارد. در حقیقت اهداف حقوق رقابت به شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر نظام حقوقی بستگی دارند؛ ممکن است در نتیجه تغییر شرایط، این اهداف از زمانی به زمان دیگر متفاوت بوده یا ترتیب اولویت میان آنها دستخوش تغییر شود. با این حال به‌طور کلی، «روح حقوق رقابت»، ثابت و عبارت است از «حفظ رقابت برای مجریان مقررات افزایش کارایی اقتصادی به سود مصرف‌کنندگان».

اصول رقابت باید قواعد آن را در این راستا تحلیل، تفسیر و اجرا نمایند؛ با توجه به مبانی و قواعد اجتماعی در برخی از مکاتب اقتصادی نظیر «مکتب شیکاگو» عقیده دارد ارتقاء کارایی اقتصادی باید تنها هدف مقررات رقابت که اهداف اقتصادی و منحصرأ باشد. پیگیری سایر مقاصد باید به قوانین دیگر واگذار شود. قوانین رقابت وضع می‌شوند تا از هدر رفت منابع به هر بهانه و انگیزه‌ای جلوگیری کنند و ضامن بقای تنها بنگاه‌های کارآمد باشند. بنگاه‌هایی که نمی‌توانند از حداقل منابع، حداکثر تولید و با نازل‌ترین قیمت را داشته باشند و قادر به نوآوری و ابداع نیز نیستند، حق حیات در بازارهای رقابتی نداشته و شایسته حمایت نمی‌باشند. باید سرنوشت آن‌ها را به خود بازار و نیروهای آن واگذار نمود؛ اما تعدادی دیگر همچون قائلین به «مکتب هاروارد»، در ایالت متحده آمریکا و «مکتب فرایبورگ» در اروپا، برآیند که همچنان که در کنار مسائل اقتصادی، اهداف غیراقتصادی نیز زمینه‌ساز بروز مقررات رقابت بوده‌اند، در تفسیر و اجرای مقررات مزبور، آنها نیز باید نقش‌آفرینی کنند. بازار، پدیده‌های اجتماعی است؛ مدیریت چنین پدیده‌هایی تنها با توجه به مسائل اقتصادی میسر نیست. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، اهمیت دغدغه‌هایی چون اشتغال‌زایی، عدالت توزیعی و حمایت از صنایع داخلی کمتر از کارایی اقتصادی نیست؛ هر چند پیگیری آنها، بخش معقولی از منابع جامعه را به خود مشغول کند



نتیجه گیری

ماهیت و ساختار در حال تغییر فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های مختلف اعم از داخلی و بین‌المللی همواره به‌هم‌پیوسته‌اند و از سو دیگر لزوم حمایت و مداخل اجتناب‌ناپذیر دولت‌ها در امور اقتصادی خصوصی از طریق مقررات و قواعد آماره و حتی ارشادی در حوزه‌های مختلف اقتصادی از سوی دیگر، بارها به اعمال صلاحیت‌های هم‌زمان منجر شده است. این وضعیت که اغلب موجب اجرای قواعد فرا سرزمینی در ضمن مقررات و قواعد حقوق داخلی می‌گردد، باعث ایجاد خطرهای مضاعفی شده و ارزش معاملات بین‌المللی خصوصی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله نتایج چنین وضعیتی، ایجاد بی‌ثباتی در روابط قراردادی است. در مورد قراردادهای بین‌المللی که در معرض رژیم‌های تنظیمی گوناگون قرار می‌گیرند، این امر بسیار محتمل است که با ادعای نامشروعی مواجه شوند و اعتبار خود را از دست بدهند؛ با توجه به مباحث مفتوحه در این پژوهش و بررسی مبانی و مسائل مطروحه در بحث جایگاه تحولات قواعد عمومی قراردادها بر حقوق رقابت می‌توان به این نتیجه رسید که حقوق رقابت نیز به تسری و تبری از قواعد و احکام موجود در بحث تحولات قواعد عمومی قراردادها و به‌منظور حفظ و توسعه مباحثی همچون سلامت و انضباط اقتصادی جامعه، نظم عمومی و اخلاق حسنه اقدام به وضع سیاست‌های حقوقی و تضمینی در جهت منعانت از انعقاد قراردادها و توافقمنامه‌های خرد و کلان در سطوح مختلف اقتصادی نموده است و چنانچه اشخاص موضوع بحث و مطالعه این شاخه از دانش علم حقوق اقدام به انعقاد قراردادی نمایند که از این طریق محدودیت‌های در بازار ایجاد گردد و این محدودیت‌ها به‌تبع منجر به اخلال در رقابت و برهم خوردن نظم عمومی اقتصادی شوند عمل آنها باطل تلقی خواهد شد اما نکته‌ای که در این‌بین نیاز به توجه مقنن و دکتترین و اندیشمندان دانش علم حقوق است عدم شمول محدودیت‌های قراردادی که مصداق احتکار و ربا و ... خواهد بود که این عدم تبری و تسری ضرورت توجه به شاخه و گرایشی تحت عنوان حقوق رقابت متأثر از قواعد عمومی قراردادها را ضروری‌تر و بااهمیت‌تر نموده است چراکه در این میان قواعد حاکم بر حقوق رقابت با توجه به مبانی و مباحث مفتوحه در قواعد عمومی قراردادها و بر پایه نظم عمومی در عرف از مجموعه قواعد و مقررات و اصول کلی به دست می‌آید، نه به‌طور خاص و خارج از مبانی قواعد عمومی قراردادها؛ لذا در صورتی که این محدودیت‌های در رقابت تجاری تا قبل از تصویب و تا سپس قانون و حقوق رقابت قوانین خاص و کلی نداشتیم؛ لذا اگر قانون رقابت وجود نداشته باشد، نمی‌توان گفت محدودیت‌های قراردادی در رقابت تجاری مخالف بانظم عمومی اقتصادی است.



یکی از مهم‌ترین مبانی و مفاهیم مشترک در این بحث خاص موضوع طرح این پژوهش تحت مورد توجه و اصرار است بحث تحولات و مبانی و مفاهیم حاکم بر قواعد عمومی است که در این میان نظم عمومی مفهوم و تغییر اساسی اصلی در این مطالعه است که باگذشت زمان یا تغییر مکان از زمانی به زمان دیگر و از کشوری نسبت به کشور و فرهنگی دیگر تغییر می‌کند به طوری که حتی در میان حقوقدانان هر نظام خاص حقوقی اختلافات و تعارضاتی در باب بحث و مطالعه در باب این مفهوم وجود دارد که مؤید این مهم است که مفاد نظم عمومی و قواعد عمومی قراردادهای به تنهایی نمی‌توان و نمی‌بایست در باب مباحث تخصصی و بااهمیت حقوق رقابت به عنوان ملاک عمل قرار گیرد چراکه قضای سالم در بازار به منظور رقابت و فعالیت فعالان در این میان در حیطه مهیا نمود و رقابت تجاری سالم است و در این میان نمی‌توان از مبانی و قواعد عمومی قراردادهای به تنهایی به عنوان معیار اصلی و بدون مدد گرفتن از معیارهای کاربردی در بحث تفسیرهای گوناگونی که از آن شده به عنوان یک ضابطه‌ای قطعی استفاده نمود چراکه در فرض تحقق چنین وضعی منجر به ناکارآمدی بازار و اقتصاد کشور تلقی نمود.

قوانین حاکم بر قواعد عمومی قراردادهای و مباحث و مسائل مربوط به نظم عمومی اقتصادی به تنهایی می‌توانند که اسباب و ابزار ابطال محدودیت‌های اخلاقی آور در جریان حقوق اقتصادی و رقابت آزاد را فراهم سازد؛ از این روی نظام حقوقی ایران نیز همچون سایر نظامات گسترده حقوقی متأثر از تحولات و مبانی قواعد عمومی قراردادهای سعی بر ایجاد گرایش و رشته‌ای مستقل در جهت تنظیم ضوابط و مقررات رقابتی جهت آزادسازی فضای رقابتی بازار و منعانت از محدودیت‌های مخل آن برآید؛ البته باکمال تأسف در بحث در باب این گرایش ویژه و جدید معیار و ضوابطی ای به جهت تشخیص میزان اخلاقی در رقابت وجود ندارد، بلکه تنها وظیفه تشخیص اخلاقی در رقابت در نتیجه تبانی‌های اشخاص به عهده شورای رقابت گذاشته شده است که در جای دارد به صورت مستقل به مطالعه و بحث در باب این مهم طی تحقیقات و مطالعات تخصصی تر پرداخته شود.



منابع

- برزگر، عبدالرضا، (۱۳۹۳)، نظام حقوقی پیشگیری از انحصار در بازار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد
- خشنودی، رضا، (۱۳۹۳)، تعادل میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری یا تعارض با قواعد عمومی قراردادها، نشریه پژوهش‌های تطبیقی
- رضایی پور، آرزو، (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی نظام حل و فصل اختلافات مربوط به دعاوی رقابت در حقوق ایران و اتحادیه اروپا، دانشگاه تهران، پایان نامه دوره کارشناسی
- ساردویی نسب، محمد و کاظم پور، سید جعفر، (۱۳۹۰)، مؤلفه‌های غیرمنصفانه بودن قرارداد، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵، پاییز.
- سماواتی، حشمت‌الله، (۱۳۹۵)، مقدمه‌ای بر حقوق رقابت بازرگانی؛ حقوق رقابت.
- شکوهی، مجید، (۱۳۹۴)، حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا، میزان، تهران.
- صادقی، محسن، شمشیری، صادق، (۱۳۹۰)، نقد قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران (قانون خصوصی‌سازی) از منظر رابطه مالکیت فکری و حقوق رقابت، فصلنامه حقوق عمومی، تابستان.
- صالحی سه‌شنبه، داریوش، (۱۳۹۶)، اصول حقوقی حاکم بر نظام رقابت در پرتو سیاست‌های کلی نظام، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- قنادان، محمود، (۱۳۹۶)، کلیات علم اقتصاد، ج ۱.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۷)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱.
- کرباسیون، محمدعلی، (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی چگونگی ایجاد توازن میان اصول کارایی و حمایت از مصرف‌کنندگان در ایران و آمریکا، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- کرمی، سکینه، (۱۳۹۵)، نابرابری قدرت چانه‌زنی به‌عنوان مبنای برای کنترل قرارداد، نشریه مطالعات تطبیقی، پاییز و زمستان



لفت، نعمت‌الله، (۱۳۸۴)، نظم عمومی و الزام به انعقاد قرارداد؛ فقه و حقوق، ش ۷.

نوروزی، مشیت‌الله، (۱۳۸۴)، «نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور»، مجله دانشکده علوم انسانی (دانشگاه امام حسین)، شماره ۶۱.

وکیلی مقدم، محمدحسین، (۱۳۹۷)، توافقات ضد رقابتی، نشر میران.

یوسف، فرجی؛ کلیات علم اقتصاد، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



The place of changes in the general rules of contracts on competition law in legal systems

Hamed Mehrad¹ / Dr. Mohammad Hadisaei²

Abstract

Due to the expansion and complexities of legal foundations in the economic and social systems of societies and macro and micro legal foundations, the need to pay attention to different dimensions of social and economic systems is always felt, among which attention to the foundations and concepts of economic law as one of the new sub-tendencies of law. Privately and accordingly, the research and study about one of the key sub-branches of this young tendency under the title of competition law is felt more and more. What we are trying to address in this research is the discussion and study about "the place of changes in the general rules of contracts on competition law" and attention It is important to examine and examine the relationship and status of the general rules of contracts in the discussion of competition law. The basis of the study of competition law is the study of commercial contracts that can leave positive or negative effects in the course of competition. Therefore, in this research, this question should be addressed. It should be discussed whether it is possible to independently refer to the general rules of contracts regarding the basics of competition law, and then discuss the importance of studying the general rules of contracts and the historical course of contractual developments and the validity of contractual restrictions, and finally the role and position of the government in the discussion of interventions. In the course of competition law, we will pay attention to the general rules of contracts.

keywords: Contract, general rules of contracts, competition rights, public order, Rule of will

¹ PhD student in Private Law, Faculty of Law, Imam Khomeini International University Qazvin. (Corresponding Author)

hamed.mehrad69@yahoo.com

² Associate Professor and Faculty Member, Faculty of Law, Imam Khomeini International University Qazvin.

sm_h_saei@yahoo.com

